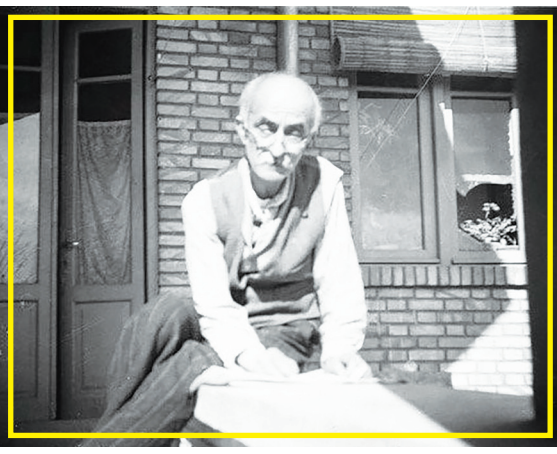


خانه «نیما یوشیج» را نجات دهیم



پیش او می‌رفت، در همان اتاق او را می‌پذیرفت و در میان توده‌های از کتاب‌های گوناگون و دست‌نوشته‌هایش، با او به گپ زدن می‌پرداخت. (دکتر انور خنامه‌ای، کتاب چهار چهره - ص ۵۸)

مفتون امینی در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا: «خانه نیما در دزاشب بود، برف هم باریده بود، ساعت ۱۰ صبح یکی از روزهای دی‌ماه ۱۳۳۳ بود، سگ‌ها پارس می‌کردند. آن مکان هنوز مسکونی نشده بود، به ما گفته بودند اگر در را خانم جهانگیر (همسر نیما) باز کند، ممکن است موفق نشوید نیما را ببینید، خوشبختانه خود نیما در را باز کرد، خانمش به شهر رفته بود و تا چند روز بر نمی‌گشت.»

۱۶ فروردین ۱۳۳۴ - به بهمن محض نقاشی‌اش عزیز: «تقریباً در تمام این چندین ماه که از مفارقت نیما با من می‌گذرد (و شما چندین باره) مثل برگردان‌هایی که شعرا و نوازندگان دارند، در نامتان به آن یادآور شده‌اید، من همین حالت‌های نازنین را داشتم. در همان شبیران و در همان خانه کوچک مُشجر که ورنه، آن را باغ اسم می‌بزد. ولی بیش

هدشدارها برای جلوگیری از تخریب خانه نیما یوشیج، پدر شعر نو ایران، در پی خارج شدن آن از ثبت ملی ادامه دارد.

محمد عظیمی، نیما پژوه و فعال میراث فرهنگی، در یادداشت ارسالی‌اش به ایسنا با عنوان «امدادی ای رفیقان با من؛ خانه نیما یوشیج در تهران را از خطر تخریب نجات دهیم» نوشته است:

درحالی‌که یاد نیما یوشیج، پدر شعر نوین ایران را به مناسبت پنجاه و هشتمین سالگرد خاموشی گرامی داشته‌ایم، دیوان عدالت اداری طی حکمی به تاریخ ۱۵ آبان‌ماه سال ۱۳۹۶ خانه شاعر در تهران را از فهرست آثار ملی ایران خارج کرده و خانه هرلظه درخطر تخریب است. این خانه که در محله تجریش تهران (خیابان دزاشب، خیابان فردوسی و دیروز و خیابان رضائی امروز، کوچه رهبری) واقع شده است در سال ۱۳۳۷ ساخته شده و دارای زیربنایی به مساحت ۱۸۰ مترمربع و عرصه ۶۸۰ مترمربع بوده و با معماری متداول منطقه شمیران و با سقف شیروانی ساخته شده است. ایوان آن دارای هشت ستون مدور و چهار اتاق تودرتو است و یک اتاق جداگانه که اتاق شخصی نیما یوشیج بوده و در حیاط آن تعدادی درخت کهن‌سال وجود دارد.

متأسفانه سال‌ها پیش این خانه بدون توجه به ارزش فرهنگی آن توسط شرآگیم یوشیج فروخته شده و علی‌رغم ادعای ایشان مبنی بر بخشیدن اموال و آثار این شاعر نوپرداز به ملت ایران، با فروش لوازم زندگی و دست‌نوشته‌های نیما همچنان خود را وارث پدر می‌دانند.

در پی سعی به تخریب مالک فعلی این خانه در سال ۱۳۸۰ و پیگیری زنده‌یاد دکتر سیمین دانشور که سال‌ها در نزدیکی خانه نیما زندگی می‌کرد، این مکان با شماره ۴۶۰۳ در فهرست آثار ملی ایران قرار گرفت. مالک خانه نیما برای بهره‌برداری خارج از ضوابط با طرح شکایت در دیوان عدالت اداری، اعلام داشته‌اند که هیچ سند و مدرکی در خصوص این‌که این خانه متعلق به نیما یوشیج است، وجود ندارد و خواستار خروج این خانه از فهرست آثار ملی کشور شده‌اند. دادگاه هم به‌رغم دفاعیات سازمان میراث فرهنگی و موارد مندرج در پرونده ثبتی و دیگر اسنادی که نشان می‌دهد این خانه، عملاً خانه نیماست، متأسفانه به درخواست مالکان رأی مثبت داده است. ده‌ها سند، گزارش تاریخی و عکس از این خانه که نشان‌دهنده زندگی نیما یوشیج در این مکان است وجود دارد و با تشخیص سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، بر اساس شرف‌المکان بالمکین ارزش‌گذاری شده است. نزدیک‌ترین نمونه در مورد ارزش فرهنگی این مکان، خانه زنده‌یاد جلال آل احمد و دکتر سیمین دانشور در کوچه مقابل این اثر است که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و درحال تبدیل شدن به موزه است.

چگونه دیوان عدالت اداری بر اساس ده‌ها سند مکتوب و عکس‌های فراوان از آن خانه، با رأی خود تعلق نیما به خانه را نادیده گرفته است؟ هرچند این احتمال هم وجود دارد که معاونت حقوقی سازمان میراث فرهنگی بدون مشورت و هماهنگی با کسانی که سال‌ها در حوزه نیما شناسی فعالیت می‌کنند، مدارک معتبری ارائه نکرده باشد. لذا اسناد و مدارکی را که دال بر حضور نیما یوشیج در این خانه باشد تقدیم سازمان میراث فرهنگی و دوستداران شعر و ادبیات نوین ایران می‌کنم تا موجب تجدیدنظر در رأی صادره و اقدام سازمان میراث فرهنگی برای آزادسازی و ایجاد موزه شعر نوین ایران باشد.

در سال ۱۳۲۸ نیما قطعه زمینی را که در اراضی انتهایی کوچه فردوسی تجریش خریده بود، ساخت و تا پایان عمر در این خانه کوچک که در اوایل از برق و آب‌لوله‌کشی نیز محروم بود، زندگی می‌کرد. در این خانه، نیما علاوه بر همه این محرومیت‌ها، گرفتار یک مشکل عمده شده بود که اغلب از آن شکوه می‌کرد. بدین‌سان که مالک زمین که آن را تفکیک کرده و به او فروخته بود، برای این قطعه، راه خروج نگذاشته بود و هر طرف در خانه را می‌گذاشته، با یکی از قطعات مجاور مواجه می‌شد نه با یک کوچه یا شارع عام. بعدها که زنده‌یاد جلال آل احمد و خانم سیمین دانشور نیز در این ناحیه زمینی خریدند و خانه‌ای ساختند، همسایگان کمک و به ترتیبی این مشکل را حل کردند. در این خانه، برخلاف منازل پیشین نیما، اتاق پذیرایی و کار او یکجا بود و هرکس



از این نباید بنویسم. تجریش - نیما یوشیج» (مجموعه کامل نامه‌های نیما یوشیج - طاهباز، سیروس، مجموعه نامه‌های نیما یوشیج، تهران، انتشارات علم، ۱۳۷۶، چاپ سوم، ص ۶۸)

جلال آل احمد: «بعد انشعاب از آن حزب پیش آمد و «مجله مردم» رها شد و دیگر او را ندیدم تا به خانه شمیران رفتند. شاید در حدود سال ۲۹ و ۳۰ که یکی دو بار با زهم، سرافشان رفتیم. همان نزدیکی‌های خانه نیما را با آن‌همه گرفتاری و درگیری می‌دیدم، دلم خون می‌شد. لانه‌ای بسازیم. راستش اگر او در آن‌همسایگی نبود، آن لانه ساخته نمی‌شد و ما خانه فعلی را نداشتیم. این رفت‌وآمد بود و بود تا خانه ما ساخته شد و معاشرت همسایگان پیش آمد. محل هنوز بیابان بود و خانه‌ها درست از سینه خاک درآمد بودند و در چنان بی‌غولهای، آشنایی غنیمتی بود. آن‌هم با نیما... از این به بعد - یعنی از سال ۱۳۳۲ به بعد - که همسایه او شده بودیم، پیرمرد را زیاد می‌دیدم. گاهی هرروز. در خانه‌هایمان یا در راه. او کیفی بزرگ به دست داشت و به خرید می‌رفت یا برمی‌گشت. سلام و علیکی می‌کردیم و احوالی می‌پرسیدیم و من هیچ در این فکر نبودم که به‌زودی خواهد رسید روزی که او نباشد و تو باشی و بخوای بنشینی خاطراتی از او گرد بیاوری... گاهی هم سراغ همدیگر می‌رفتیم. تنها یا با اهل و عیال. گاهی درد دلی - گاهی مشورتی - از خودش یا از زنتش... یا دربار خانه‌شان که تابستان اجاره بدهند یا نه یا دربار نوبت آب که دیر می‌کرد و میراب که طمع کار بود،... و از این نوع دردسرها که در یک محله تازه‌ساز برای همه هست.» (ارزیابی شتاب‌زده، جلال آل احمد، انتشارات رواق، اسفندماه ۱۳۵۷، صفحه ۳۸ تا ۵۲)

«امروز اخوان (امید) پیش من آمد. مجله‌های خود را آورد. در راه هنر اسم دارد. از من حمایت کرده است... او یادداشت‌هایی کرد و رفت... در همین روز، من هم گرفتار آشپزخانه و بچه‌داری بودم و هم گرفتار مهندس شهرداری که آمده بود. یک‌خانه محقر ساختم و بالاخره به

زمن بخشیدم. در سر دیوار آن هنوز مراقبه است و می‌خواهند در خانه را مسدود کنند. ۴ تیرماه ۱۳۳۴» (برگزیده آثار نیما - نثر به انضمام یادداشت‌های روزانه - طاهباز، سیروس، یوشیج، برگزیده آثار نیما (نثر)، تهران، انتشارات بزرگمهر، ۱۳۶۹، چاپ اول - ص ۲۴۷)

مراقبه در سر دیوار خانه داریم. بنایی حوض هم هست. وقت من بسیار عاطل و باطل می‌گذرد. ۵ تیرماه ۱۳۳۴ - (برگزیده آثار نیما - نثر به انضمام یادداشت‌های روزانه - طاهباز، سیروس، یوشیج، برگزیده آثار نیما (نثر)، تهران، انتشارات بزرگمهر، ۱۳۶۹، چاپ اول - ص ۲۴۸)

مهدی اخوان ثالث: «... تو کوچه فردوسی که خانه نیما انتهایش بود و آل احمد نیز آنجا بود، رفته خانه‌اش.» (گفت‌وگو با شاملو، دولت‌آبادی و اخوان ثالث - محمد محمدعلی - نشر قطره - ۱۳۷۲ - ص ۱۷۷)

یادبود نیما یوشیج در دانشکده هنرهای زیبا - ۱۷ بهمن ۲۷ از طرف کانون نویسندگان ایران - ماحصل سخنانی که آل احمد در جواب سؤال حضار و دانشجویان مجلس گفت چنین بود: ... در زندگی خصوصی، من همیشه نیما را به‌صورت گانه می‌دیدم. به علت وجود او بود که من و عیالم رفتیم آن بالا، شمیران و خانه‌دار شدیم. اگر نیما آنجا زندگی نمی‌کرد، شاید ما هم آن‌جا نبودیم. (مجله آرش - شماره ۱۹ مهر ۱۳۵۷)

سیمین دانشور: می‌دانید نیما همسایه ما بود. اساساً ما به خاطر نیما و هم‌جواری با او، این خانه را ساختیم (جلال ساخت). برای عالیته خانم، همسر نیما، سخت بود که هر شب دور نیما جمع بشوند و او هم بخواد پذیرایی کند. به همین جهت نیما به خانه ما می‌آمد... من وقتی که خانم نیما را با آن‌همه گرفتاری و درگیری می‌دیدم، دلم خون می‌شد. او ناچار بود سحر پا شود، غذا درست کند، برای ظهر نیما و خودش و شرآگیم (پسرشان). توی برف زمستانی، قابلمه غذا در دست، از تجریش بچه را تا مدرسه سن لویی برساند و بعد برود بانک ملی، کار و تأمین معاش کند. عصر خرید خانه را بکند و بچه را از مدرسه بیاورد و با وسایل نقلیه محدود آن‌وقت‌ها، خود را از شهر به تجریش برساند و تازه شام شب فراهم کند.» (هنر و ادبیات امروز (گفت‌وشتودی با پرویز ناتل خانلری و سیمین دانشور) - ناصر حریری - کتابسرای بابل - ۱۳۶۶ - ص ۴۸)

«امشب، شب جمعه به منزل آل احمد رفتم بعد از مدت‌ها که همسایه بودیم. آل احمد خبر داد عکس رنگین مرا در پشت جلد مجله خوشه که باعث بر افتخارات من است، در میان ملتی که مرا با تنگدستی نگه داشت و من با خرج خودم نمردم. جمعه‌شب گویا - اول خرداد ۱۳۳۶» (یادداشت‌های روزانه نیما یوشیج - شرآگیم یوشیج، تهران، مروارید، ۱۳۸۷، چاپ اول، ص ۲۵۶)

خانه مسکونی ما درحالی‌که سالی سه ماه در تهران ناشی، خانه ییلاقی است. معترضی امشب می‌گفت سالی سه چهار هزار تومان، چهار اتاق ییلاقی در شمیران کرایه دارد. به دست هم نمی‌آید. در اواخر اردیبهشت هستیم. من که اطلاع از این امور ندارم. شب ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۵ - (یادداشت‌های روزانه نیما یوشیج - شرآگیم یوشیج، تهران، مروارید، ۱۳۸۷، چاپ اول، ص ۲۴۷)

امروز شما

فروردین
 ذهن شما همیشه خیلی سریع و چابک عمل می‌کند، اما امروز در نتیجه‌ی اطلاعات جالب و هیجان‌انگیزی که به تازگی از طریق مطالعه، گوش دادن به اخبار و یا جست‌وجو در اینترنت به دست آورده‌اید این سرعت ناگهان چندین برابر شده است و شما تقریباً هیچ کنترلی روی ذهن و افکار خود ندارید.

اردیبهشت
 تجهیزات و وسایل جدیدی که برای انجام برخی از کارها و وظایفان در اختیار شما قرار گرفته‌اند برایتان بسیار جذاب هستند و خیلی سریع هر چیزی که لازم باشد در مورد آن‌ها یاد بگیرید را با اشتیاق و علاقه‌ی فراوان فرا خواهید گرفت.

خرداد
 شما درحال حاضر برای انجام کاری که در دست اقدام دارید به اطلاعات جدیدی نیاز دارید که جست‌وجو برای آن‌ها وقت زیادی از شما خواهد گرفت.

تیر
 امروز شما با گروهی سرورکار خواهید داشت که در کنار تازگی و جذابیتی که برای شما دارند، فرصت افزایش مهارت‌هایتان با آغاز پروژه‌های جدید و یا حتی شروع کاری کاملاً متفاوت را در اختیار شما قرار خواهند داد.

مرداد
 امروز شرکت در فعالیت‌های اجتماعی شما را با افراد جدیدی در ارتباط خواهد گذاشت که خیلی جالب و هیجان‌انگیز به نظر می‌رسند. شاید آن‌ها علایق مشترکی با شما داشته باشند.

شهریور
 تماس‌هایی که امروز با دوستان و همکارانتان دارید، حتی آن‌هایی که از شما جوان‌تر هستند، برای شما ایده‌های خوب و جدیدی را به همراه خواهند داشت که می‌توانید با به کار گرفت آن‌ها زندگی خودتان و عزیزانتان را بهتر کنید.

مهر
 امروز صحبت‌هایی که با دوستان نزدیک، عشقتان و یا فرزندان دارید اطلاعات جالبی را برای شما در بر خواهند داشت.

آبان
 امروز افرادی به دیدن شما خواهند آمد که در خلال صحبت با آن‌ها راه‌های خلاقانه‌ای برای افزایش درآمدتان به ذهنتان خواهد رسید. این روش‌ها می‌توانند شامل استفاده از کامپیوترها و فناوری مدرن روز باشند و یا فعالیت‌هایی را در برگیرند که با پیش‌ازین هرگز امتحان نکرده‌اید.

آذر
 امروز ذهن شما بسیار تند و سریع کار می‌کند و پر از ایده‌های مختلف است. صحبت با دیگران اطلاعات مفید و جالبی را در اختیار شما قرار خواهد داد که درهای جدیدی را در برابر شما قرار خواهند داد.

دی
 امروز مطالعه کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات و تماشای تلویزیون و گردش در اینترنت اطلاعات مفید و جالبی را در اختیار شما قرار خواهد داد. این اطلاعاتی که به تازگی کسب کرده‌اید ممکن است ذهن شما را در جهت تازه‌ای قرار داده و شما را به فکر شروع پروژه‌های جدید و یا ایجاد تغییرات در روند زندگی‌تان بیندازند.

بهمن
 فرصت ایجاد یک تغییر جدی در زندگی‌تان که برای مدتی طولانی به فکر آن بوده‌اید امروز بالاخره برایتان فراهم خواهد شد. این اتفاق می‌تواند نقل مکان به یک شهر یا محل جدید، ادامه تحصیلات دانشگاهی و یا آغاز یک کار و حرفه‌ی جدید باشد.

اسفند
 امروز کاغذبازی‌های اداری که احتمالاً هم با مسائل مالی مرتبط هستند ممکن است باکمی مشکل و پیچیدگی رویه‌رو باشند، اما یکی از اطرافیان به کمکتان آمده و راهی برای سرعت بخشیدن به این روند و یا انجام این کارها از یک روش جایگزین به شما پیشنهاد خواهد کرد.

طبیعت کازرون روستای امرباد



در ورزشگاه چلسی به خاطر یک خانواده تخته می‌شود!

مراحل آماده‌سازی ورزشگاه استمفورد بریج (ورزشگاه اختصاصی باشگاه چلسی) تدوین شده و به‌زودی به مرحله اجرا درمی‌آید. به گزارش جام‌جم آنلاین، ظرفیت ورزشگاه اختصاصی چلسی قرار است تا سال ۲۰۲۴ به ۶۰ هزار نفر افزایش یابد.

اما باشگاه چلسی پیش از آغاز این مرحله نیاز به اجازه از ارگان‌های مختلف دولت بریتانیا دارد. درحالی‌که هنوز مراحل بازسازی استمفوردبریج آغاز نشده است؛ اما برخی از ساکنان اطراف ورزشگاه استمفوردبریج شکایت خود را در رابطه با اینکه این ورزشگاه روی خانه‌های آن‌ها سایه می‌اندازد به باشگاه چلسی اطلاع داده‌اند. در این میان یک خانواده شکایت خود را در این باره رسمی هم کرده‌اند. این خانواده در قسمت شرقی ورزشگاه استمفورد بریج خانه دارند. بر اساس شکایت مطرح‌شده بازسازی ورزشگاه باعث می‌شود روی این خانه سایه بیفتد که اصلاً مطلوب این خانواده نیست. پس از ثبت این شکایت به باشگاه چلسی هشداری داده شد که به‌سرعت همه‌چیز را متوقف کند.